

مرمت و بازسازی به مثابه‌ی تخریب بناهای تاریخی

محمد مهدی نجفی

نزدیک به یک دهه پیش، تمام دغدغه‌ی دوست‌داران میراث فرهنگی این بود که تا حد امکان از تخریب بافت تاریخی جلوگیری کنند تا بلکه بتوانند گوشه‌ای از میراث تاریخی این شهر را به هر شکلی به‌دست آیندگان برسانند. اما باید یک دهه می‌گذشت و عده‌ای از کنار این دوستی‌ها و سر و دست شکستن‌ها به نان و نوایی می‌رسیدند تا عیار علاقه به میراث فرهنگی برای فعالین این حوزه روشن شود.

همینک، کافی است در بافت تاریخی کاشان چرخ بزنید تا ببینید در هر گوشه‌ای از بافت و در هر محله‌ای که فکرش را بکنید، خانه‌ای تاریخی تحت تملک شخصی که خود را در وهله‌ی نخست علاقه‌مند به میراث فرهنگی معرفی می‌کند، در حال مرمت و بازسازی است. از سرهنگ بازنشسته تا هنرمند مقیم تهران، از دکتر و مهندس تا دلال و مغازه‌دار، کسی نیست که به مرمت و بازسازی خانه‌های تاریخی کاشان علاقه نشان ندهد.

شاید بگویند این که عالی است! توجه به خانه‌های تاریخی آن‌ها را از تخریب گسترده‌ای که طی سال‌های گذشته شاهد آن بوده‌ایم، نجات داده است. اما این تنها ظاهر ماجراست. کافی است با نگاهی تیزبین و جستجوگر — نه الزاما کارشناسانه — به بناهایی که در اقصی نقاط شهر در حال مرمت و بازسازی هستند سری بزنید تا عمق فاجعه‌ای که در حال وقوع است مشخص شود.

برخلاف ساخت و سازهای جدید که با نظارت دقیق نهادها و متخصصان این امر صورت می‌گیرد، در اغلب پروژه‌های مرمت و بازسازی بناهای تاریخی، هیچگونه نظارت نیروی متخصص وجود ندارد. اگرچه اداره‌ی میراث فرهنگی به عنوان نهاد متصدی این امر شناخته شده است؛ اما به ادعای کارشناسان محترم این اداره، بودجه و نیروی انسانی کافی حتا برای سرکشی و نظارت بر مرمت و بازسازی بناهای ارزشمند و ثبتي وجود ندارد.

متأسفانه اغلب سرمایه‌گذاران در زمینه‌ی مرمت و بازسازی بناهای تاریخی، نه تنها فاقد نگاه تخصصی به این حوزه هستند، بلکه رویکردهای تخصصی و علمی را کاملاً نادیده می‌گیرند. در حالی که اگر در معماری جدید، برای مثال، تعداد و نمره‌ی میلگردها یا فاصله‌ی خاموت‌ها در شناژهای افقی و عمودی اهمیت دارد، در معماری سنتی تناسبات، هماهنگی و هندسه‌ی بناست که در کنار سازه‌ی آن اهمیت دارد. اما متأسفانه در میان سرمایه‌گذاران حتا کسانی هستند که بناهای تاریخی را به چشم خرابه‌هایی می‌بینند که باید با حداقل هزینه، دستی به سر و رویش بکشند و در این بحبوحه‌ی بازاری تا جای ممکن خشت‌هایش را بدوشند و از خاک تاریخ طلا بسازند.

از سوی دیگر، اغلب استادکاران سنتی که مرمت و بازسازی این خانه‌ها به‌دست توانای آن‌ها انجام می‌گیرد — اگر خوش‌بین باشیم — علی‌رغم تسلط به فنون معماری، شناخت چندانی از معماری ایرانی ندارند. آن‌ها معمولاً تابع سلیقه

و خواسته‌ی کارفرما و مالک عمل می‌کنند. بنابراین، دیری نمی‌گذرد که این مسئله به بلبشوی بزرگی در بافت تاریخی کاشان منجر می‌شود. چنانچه هم‌اکنون نیز شواهد آن به چشم می‌خورد: ساخت و ساز بادگیرهای فاقد کارکرد و بدون تناسب، تداخل سبک‌های متفاوت تاریخی، بی‌توجهی به تناسبات و هندسه‌ی بنا (به عنوان مهمترین رکن معماری سنتی ایران)، استفاده از تزیینات نامأنوس، شمشه‌گیری‌های نادرست، قوس‌های اشتباه، مسابقه برای تزیین و تکلف هرچه بیشتر و

متأسفانه با توجه به شواهد، رشد و گسترش توجه به بناهای تاریخی نه برای حفظ میراث فرهنگی و تاریخی، بلکه برای صرفه‌ی اقتصادی و برداشت از جیب توریست‌ها در دستور کار و مورد اقبال بخش خصوصی قرار گرفته است. اگر زمانی توسعه‌ی کاشان در تخریب بافت تاریخی و احداث خیابان و ساختمان‌های نوساز با آن معماری بی‌ریشه و بی‌قواره تفسیر می‌شد، اکنون توسعه‌ی کاشان در بهره‌برداری از بناهای تاریخی معنا شده است. بناهای تاریخی نه به عنوان بخشی از فرهنگ و تاریخ کاشان، بلکه به عنوان کالایی مصرفی که قرار است توسط توریست‌ها مصرف شوند. پیامد هر دو رویکرد، نادیدن و نابودی میراث فرهنگی و تاریخی است.

شما بگویید، قرار است چه چیزی به دست آیندگان برسد؟ در حالی که دانش اندک ما از معماری و هندسه‌ی بناهای سنتی در حال فراموشی است، و از سوی دیگر، اسناد و مدارکی که می‌تواند راهنمای پژوهشگران و آیندگان باشد، نه تنها مورد بهره‌برداری علمی قرار نمی‌گیرد، بلکه به‌طور گسترده و سازمان‌یافته در حال مخدوش شدن است.

از پیامدهای دیگر این رویه این است که بسیاری از بناهای ارزشمند تاریخی، مانند کاروانسراهای بازار کاشان، بیمارستان اخوان، خانه‌ی عبدالرزاق خان، و یا آسیاب‌های لندر که تعدادی از آن‌ها در نوع خود بی‌نظیر هستند، به دلیل عدم برخورداری از معیارهای سرمایه‌گذاری، و عدم تضمین سوددهی، مورد کم‌لطفی و بی‌توجهی قرار گرفته و به دست تقدیر واگذار شده‌اند؛ در حالی که بناهایی با ارزش تاریخی کمتر، به دلیل برخورداری از شرایط سرمایه‌گذاری مناسب، توسط دلال‌ها دست‌به‌دست می‌چرخند و با هزینه‌های سرسام‌آور بزرگ می‌شوند.

به طور یقین، چنین یادداشت‌هایی نمی‌تواند جلوی این سیل خروشان را بگیرد، همان‌گونه که ساخت و ساز غیرمجاز در حریم سیلک، علی‌رغم تلاش و توجه دوست‌داران و فعالین میراث فرهنگی هرگز متوقف نشد. از سوی دیگر هیچ اراده‌ای در مسئولین ذی‌ربط و هیچ اهرم تاثیرگذاری در نهادهایی از قبیل اداره‌ی میراث‌فرهنگی و حتا شهرداری (به عنوان تنها سازمان ذی‌نفع) برای سازمان‌دهی به مرمت و بازسازی خانه‌های تاریخی کاشان مشاهده نمی‌شود. اما حداقل قدمی که می‌توان در این زمینه برداشت، مستندنگاری دقیق بناهای تاریخی پیش از هرگونه عملیات مرمتی و بازسازی است. بدیهی است این اقدام زمانی میسر خواهد بود که ضرورت آن توسط مسئولین محترم و مالکین یا سرمایه‌گذاران گرامی درک و شناخته شود.

اگرچه، این گرهی است که تنها می‌تواند به دست علاقه‌مندان و فعالین حوزه‌ی میراث فرهنگی گشوده شود، در عزم و برنامه‌ریزی مستمر برای مستندنگاری و تهیه‌ی بانک اطلاعاتی اسناد کاشان، برای پیشبرد پژوهش‌هایی که جای خالی آن، بیش از هرچیزی در شناخت و مطالعه‌ی سیر تاریخی این شهر احساس می‌شود.

تابستان نود و پنج